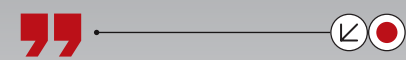


نقض اقتصاد را در دست بگیرید

چارسوگ



مقایسه قیمت مواد غذایی پرمصرف در اردیبهشت امسال نسبت به قبل از حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی نشان می‌دهد

مواد غذایی ۷ میلیون تومان گران شد کالابرگ همچنان یک میلیون تومان است

تبعات تورمی حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی ادامه دارد؛ مبلغ یک میلیون تومانی کالابرگ سهم اندکی از گرانی مواد غذایی را پوشش می‌دهد

مقایسه قیمت مواد غذایی پرمصرف در اردیبهشت امسال نسبت به قبل از حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی (قیمت‌ها به تومان)

مواد غذایی پرمصرف	قیمت قبل از حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی	قیمت در اردیبهشت ۱۴۰۵	درصد افزایش
برنج ایرانی درجه یک (کیلوگرم)	۳۴۸۵۰۰	۵۱۵۲۰۰	۴۸
برنج خارجی درجه یک (کیلوگرم)	۱۴۴۲۰۰	۲۶۶۵۰۰	۸۵
شیرینی خشک (کیلوگرم)	۲۴۳۴۰۰	۳۹۴۵۰۰	۶۲
ماکارونی (۵۰۰ گرم)	۳۴۵۰۰	۴۵۹۰۰	۳۳
رشته آش (۵۰۰ گرم)	۶۱۶۰۰	۸۶۳۰۰	۴۰
گوشت گوسفند (کیلوگرم)	۹۰۳۴۰۰	۱۵۸۴۱۰۰	۷۵
گوشت گاو یا گوساله (کیلوگرم)	۹۱۵۲۰۰	۱۵۶۵۲۰۰	۷۱
مرغ ماشینی (کیلوگرم)	۱۴۹۵۰۰	۳۵۸۳۰۰	۱۴۰
ماهی قزل‌آلا (کیلوگرم)	۳۸۹۶۰۰	۵۱۹۱۰۰	۳۳
کنسرو ماهی تن (۱۸۰ گرم)	۱۱۶۷۰۰	۱۸۳۴۰۰	۵۷
شیر پاستوریزه (یک لیتر)	۶۵۵۰۰	۱۰۷۴۰۰	۶۴
شیر خشک (۴۵۰ گرم)	۲۰۶۸۰۰	۲۹۴۲۰۰	۴۲
خامه پاستوریزه (۲۰۰ گرم)	۶۵۹۰۰	۹۳۹۰۰	۴۲
ماست پاستوریزه (کیلوگرم)	۹۱۲۰۰	۱۴۱۷۰۰	۵۵
دوغ پاستوریزه (۱٫۵ لیتر)	۶۵۷۰۰	۱۰۲۸۰۰	۵۶
پنیر ایرانی پاستوریزه (۵۰۰ گرم)	۱۱۵۱۰۰	۱۹۷۳۰۰	۷۱
تخم مرغ ماشینی (کیلوگرم)	۱۲۷۳۰۰	۲۸۹۱۰۰	۱۲۷
کره پاستوریزه (۱۰۰ گرم)	۷۰۰۰۰	۹۳۰۰۰	۳۳
روغن مایع (۹۰۰ گرم)	۹۳۵۰۰	۳۴۸۶۰۰	۲۷۳
روغن نباتی جامد (کیلوگرم)	۱۰۵۴۰۰	۴۴۸۷۰۰	۳۲۶
انار (کیلوگرم)	۱۳۰۲۰۰	۲۰۰۶۰۰	۵۴
موز (کیلوگرم)	۱۵۲۷۰۰	۲۹۷۲۰۰	۹۵
سیب (کیلوگرم)	۱۳۶۶۰۰	۱۶۵۶۰۰	۲۱
لیموترش (کیلوگرم)	۲۳۴۷۰۰	۲۹۶۸۰۰	۲۶
پرتقال (کیلوگرم)	۹۴۸۰۰	۹۷۶۰۰	۳
خرنیزه (کیلوگرم)	۵۷۵۰۰	۶۶۳۰۰	۱۵
هندوانه (کیلوگرم)	۳۷۰۰۰	۲۹۰۰۰	-۲۲
کشمش پلویی (کیلوگرم)	۳۸۳۱۰۰	۵۸۱۷۰۰	۵۲
مغز گردو (کیلوگرم)	۱۱۱۶۰۰	۱۵۸۳۶۰۰	۴۲
پسته (کیلوگرم)	۱۳۸۳۲۰۰	۲۱۴۴۸۰۰	۵۵
مغز بادام درختی (کیلوگرم)	۱۲۴۹۶۰۰	۱۹۸۶۳۰۰	۵۹
قارچ (کیلوگرم)	۲۳۲۷۰۰	۲۶۸۵۰۰	۱۵
خیار (کیلوگرم)	۷۰۳۰۰	۶۳۹۰۰	-۹
کدو سبز (کیلوگرم)	۵۳۸۰۰	۶۱۳۰۰	۱۴
بادمجان (کیلوگرم)	۴۳۲۰۰	۶۰۶۰۰	۴۰
گوجه‌فرنگی (کیلوگرم)	۵۹۲۰۰	۵۵۸۰۰	-۶
فلفل دلمه‌ای (کیلوگرم)	۷۶۶۰۰	۱۰۰۳۰۰	۳۱
سیب‌زمینی (کیلوگرم)	۴۳۵۰۰	۵۴۳۰۰	۲۵
پیاز (کیلوگرم)	۳۴۵۰۰	۳۷۶۰۰	۹
هویج فرنگی (کیلوگرم)	۳۹۸۰۰	۴۱۶۰۰	۵
نخود (کیلوگرم)	۱۹۹۷۰۰	۳۱۰۰۰۰	۵۵
لوبیا چیتی (کیلوگرم)	۴۵۷۳۰۰	۵۴۹۹۰۰	۲۰
لوبیا قرمز (کیلوگرم)	۲۹۸۰۰۰	۴۰۱۹۰۰	۳۵
عدس (کیلوگرم)	۱۹۴۰۰۰	۳۰۰۱۰۰	۵۵
لپه (کیلوگرم)	۲۵۴۵۰۰	۳۴۶۷۰۰	۳۶
قند (کیلوگرم)	۹۳۲۰۰	۱۵۱۶۰۰	۶۳
شکر (کیلوگرم)	۶۹۳۰۰	۱۱۳۹۰۰	۶۴
رب گوجه‌فرنگی (کیلوگرم)	۱۲۰۹۰۰	۱۶۴۵۰۰	۳۶
سس گوجه‌فرنگی (۵۰۰ گرم)	۷۲۴۰۰	۱۳۱۶۰۰	۸۲
سس مایونز (۳۰۰ گرم)	۶۸۹۰۰	۱۶۲۸۰۰	۱۳۶
چای خارجی بسته‌ای (۵۰۰ گرم)	۵۶۲۵۰۰	۸۹۶۸۰۰	۵۹
نوشابه گازدار (۱٫۵ لیتر)	۵۶۳۰۰	۹۳۸۰۰	۶۷

مجموع هزینه‌ای که برای خرید این ۵۲ قلم مواد غذایی پرمصرف تا قبل از حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی باید صرف می‌شد ۱۲٫۴ میلیون تومان بود. اما برای خرید همان ۵۲ قلم مواد غذایی در اردیبهشت امسال باید ۱۹٫۴ میلیون تومان پول پرداخت می‌شد. به عبارت دیگر هزینه خرید این ۵۲ قلم مواد غذایی پرمصرف نسبت به دوره قبل از حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی حدود ۷ میلیون تومان بیشتر شده است. این در حالی است که مبلغ کالابری که دولت به هر نفر داده همچنان یک میلیون تومان ثابت مانده است.

مسئولان دولت پزشکیان در زمان حذف ارز ترجیحی وعده دادند که هر سه ماه یک بار مبلغ کالابرگ را معادل با تورم ایجاد شده بالا ببرند اما اکنون که در ماه ششم این طرح هستیم، هنوز خبری از افزایش رقم کالابرگ نیست. این در حالی است که تورم به شدت افزایش یافته است. بر اساس داده‌های مرکز آمار، مقایسه قیمت ۵۲ قلم مواد غذایی پرمصرف خانوارها در اردیبهشت امسال با قیمت‌های قبل از حذف ارز ترجیحی (قیمت‌های آذرماه ۱۴۰۴) از افزایش به طور میانگین ۵۷ درصدی قیمت این مواد غذایی حکایت دارد.

با روند افزایشی تورم مواد غذایی با حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی، ارزش یک میلیون تومان کالابرگ که از دی‌ماه ۱۴۰۴ به مردم داده شد تا اردیبهشت‌ماه امسال به شدت کاهش پیدا کرده است. اقدام دولت چهاردهم در حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی در نیمه دی‌ماه سال گذشته و پرداخت کالابرگ یک میلیون تومانی به مردم، با وعده حفظ قدرت خرید مردم اجرا شد اما در حالی که قدرت خرید یک میلیون تومان به شدت پایین آمده شده، خبری از افزایش مبلغ کالابرگ نیست.

مخالفت بانک مرکزی با افزایش مبلغ کالابرگ

مسئولان دولت پزشکیان و همتی رئیس‌کل بانک مرکزی اگر افزایش مبلغ کالابرگ را تورم‌زا می‌دانند، باید پاسخ دهند که چرا در دی‌ماه ۱۴۰۴ که با آن همه تبلیغات، ارز ۲۸۵۰۰ تومانی را حذف کردند و درباره مزایای کالابرگ رژه تبلیغاتی می‌رفتند، به مردم نگفتند که افزایش مبلغ آن تورم‌زا خواهد بود و به همین یک میلیون تومان اکتفا کنید؟

افزایش مبلغ کالابرگ است. بانک مرکزی افزایش مبلغ کالابرگ را تورم‌زا می‌داند. رسانه‌های متعلق به بانک مرکزی هم در روزهای اخیر در همین راستا گزارش‌هایی درباره تورم‌زا بودن افزایش مبلغ کالابرگ منتشر کرده و حتی خواستار توقف پرداخت کالابرگ به همه مردم و کاهش جامعه دریافت‌کننده کالابرگ شدند.

با وجود وعده‌های مسعود پزشکیان و سایر مقامات دولت چهاردهم، اکنون که طی کمتر از نیم‌سال ارزش کالابرگ به شدت پایین آمده و قدرت خرید مردم کم شده، خبری از افزایش مبلغ کالابرگ معادل تورم کالاهای اساسی نیست. در بین دولتی‌ها، بانک مرکزی به ریاست عبدالناصر همتی، مخالف اصلی

مواجه شده است. آن‌ها تأکید دارند که در شرایط فعلی بازار مسکن و افزایش هزینه‌های اجاره، ادامه این وضعیت برای خانوارهای درگیر، غیرقابل تحمل شده و توان ادامه اجاره‌نشینی برای بسیاری از آن‌ها کاهش یافته است. متقاضیان بلا تکلیف پروژه با طرح این پرسش که «با گذشت ۱۴ سال انتظار؛ چه کسی پاسخگوی این بلا تکلیفی است؟» خواستار تعیین تکلیف فوری وضعیت واحدها و خود و ورود جدی دستگاه‌های نظارتی به این پرونده شدند. به گزارش مهر، در ادامه پیگیری وضعیت طرح‌های حمایتی مسکن و به‌ویژه پروژه‌های مسکن مهر و نهضت ملی مسکن، موضوع عملکرد پیمانکاران و نقش آن‌ها در تأخیر یا تسریع اجرای پروژه‌ها بار دیگر در دستور کار وزارت راه و شهرسازی قرار گرفته است.

فرزانه صادق، وزیر راه و شهرسازی دولت چهاردهم، در مواضع اخیر خود بر لزوم برخورد با پیمانکاران کم‌کار و بدعهد تأکید کرده و خواستار بازنگری در روند همکاری با مجریان پروژه‌های حمایتی مسکن شده است. وی همچنین به مدیران کل راه و شهرسازی استان‌ها مأموریت داده تا با بررسی دقیق عملکرد پیمانکاران فعال در طرح‌های مسکن، نسبت به شناسایی و برکناری پیمانکاران کم‌کار اقدام کرده و در صورت نیاز، سازندگان توانمند و متعهد را جایگزین کنند.

بر اساس تأکیدات وزیر راه و شهرسازی، یکی از محورهای اساسی در پیشبرد طرح‌های حمایتی مسکن، نظارت مستمر و نظام‌مند بر عملکرد پیمانکاران است؛ به‌گونه‌ای که این ارزیابی‌ها باید به‌صورت دوره‌ای انجام شده و در صورت مشاهده ضعف در پیشرفت پروژه‌ها، تصمیم‌گیری اجرایی بدون تأخیر صورت گیرد.

این رویکرد در شرایطی مطرح می‌شود که بخشی از تأخیرها و نارضایتی‌های متقاضیان در پروژه‌های مسکن حمایتی، از جمله مسکن مهر، به عملکرد پیمانکاران و روند اجرای پروژه‌ها نسبت داده می‌شود؛ موضوعی که اهمیت تقویت نظام نظارت و پاسخگویی در این حوزه را بیش از پیش برجسته کرده است.

تغییر پیمانکار هم کمکی نکرد

در ادامه پیگیری وضعیت پروژه‌های مسکن مهر در شهر جدید پردیس و به‌منظور روشن شدن آخرین وضعیت اجرایی پروژه بلا تکلیف کیاژ دژ پرشین، خبرنگار مهر تلاش‌هایی برای گفت‌وگو با علی اکبر فراش‌سبانی، سرپرست شرکت عمران شهر جدید پردیس انجام داد، اما این پیگیری‌ها تاکنون بدون دریافت پاسخ از سوی این مجموعه باقی‌مانده است.

متقاضیان این پروژه معتقدند یکی از دلایل اصلی طولانی شدن روند اجرای آن، عملکرد پیمانکاران پیشین بوده است؛ به گفته آنان، در دوره‌های گذشته پیگیری مؤثری برای تکمیل واحدها صورت نگرفته و همین موضوع موجب کندی جدی در پیشرفت پروژه شده است.

با این حال، این متقاضیان می‌گویند پس از تغییر پیمانکار نیز وضعیت بهبود نیافته و در حال حاضر شرکت عمران شهر جدید پردیس در انعقاد قرارداد با پیمانکار جدید و همچنین تأمین و اوزار منابع مالی اولیه برای آغاز مجدد عملیات اجرایی، تعلل دارد؛ موضوعی که به‌اعتقاد آنان، روند تعیین تکلیف پروژه را بار دیگر با تأخیر مواجه کرده است.

ضرورت اطلاع‌رسانی و شفاف‌سازی

در این میان، کارشناسان و ناظران حوزه مسکن بر این نکته تأکید دارند که اطلاع‌رسانی شفاف درباره وضعیت پروژه‌های مسکن حمایتی، از جمله مسکن مهر، نه تنها یک ضرورت اداری بلکه حق قانونی متقاضیان محسوب می‌شود؛ چراکه این افراد سال‌ها سرمایه آورده و برنامه‌ریزی زندگی خود را بر اساس وعده‌های تحویل واحدها تنظیم کرده‌اند و همچنان در انتظار تعیین تکلیف نهایی هستند.

تاوام ابهام در روند اجرای پروژه‌ها و عدم ارائه توضیحات روشن از سوی دستگاه‌های متولی می‌تواند به افزایش بی‌اعتمادی اجتماعی نسبت به نهادهای اجرایی منجر شود؛ وضعیتی که در بلندمدت آثار منفی بر سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در حوزه سیاست‌گذاری مسکن بر جای خواهد گذاشت و روند حل‌وفصل پرونده‌های معوق را نیز پیچیده‌تر خواهد کرد.



۱۴ سال انتظار؛

پرونده ناتمام مسکن مهر پردیس

گزارش

متقاضیان پروژه فاز هشت مسکن مهر پردیس با اشاره به گذشت ۱۴ سال از آغاز طرح و عدم تعیین تکلیف واحدهای خود، از بلا تکلیفی پروژه ۳۱۲ واحدی کیاژ دژ پرشین و تأخیر در تکمیل آن گلایه کردند.

مسکن مهر» بزرگ‌ترین طرح مسکن‌سازی دولتی در ایران به شمار می‌رود که از اواخر دهه ۱۳۸۰ با هدف خانه‌دار کردن اقشار کم‌درآمد، افزایش عرضه مسکن و مهار رشد قیمت‌ها کلید خورد. این طرح با اتکا به واگذاری زمین‌های دولتی، تأمین تسهیلات بانکی ارزان قیمت و مشارکت بخش‌های مختلف اجرایی، ساخت بیش از ۲۰۲ میلیون واحد مسکونی را در دستور کار قرار داد و به یکی از گسترده‌ترین پروژه‌های حمایتی در تاریخ سیاست‌گذاری مسکن کشور تبدیل شد.

هدف مسکن مهر چه بود و چگونه آغاز شد؟

مسکن مهر در طول اجرای خود توانست بخش قابل توجهی از نیاز سکونتی کشور را تأمین کرده و سهمی در خانه‌دار شدن میلیون‌ها خانوار ایفا کند، اما هم‌زمان با چالش‌های ساختاری و اجرایی متعددی نیز روبه‌رو شد؛ از جمله محدودیت منابع مالی، افزایش هزینه‌های ساخت، تأخیر در تکمیل زیرساخت‌های شهری و خدمات روبرنایی، مشکلات حقوقی برخی پروژه‌ها و جانمایی نامناسب بخشی از واحدها. مجموعه این عوامل سبب شد این طرح با وجود گذشت نزدیک به دو دهه از آغاز آن، همچنان به‌طور کامل به سرانجام نرسد.

بر اساس آمارهای رسمی، اگرچه بخش عمده واحدهای مسکن مهر در کشور تکمیل و به متقاضیان تحویل شده است، اما همچنان هزاران واحد در نقاط مختلف در مراحل ساخت، تکمیل یا آماده‌سازی قرار دارند و دولت‌های مختلف در سال‌های اخیر ناگزیر بوده‌اند بخشی از ظرفیت اجرایی خود را به تعیین تکلیف این واحدها اختصاص دهند. در عین حال، مسکن مهر صرفاً یک پروژه عمرانی نبود، بلکه به یکی از مهم‌ترین تجربه‌های سیاست‌گذاری در حوزه مسکن تبدیل شد؛ تجربه‌ای که از یک سو امکان خانه‌دار شدن بخش قابل توجهی از خانوارهای کم‌درآمد و دهک‌های پایین‌را فراهم کرد و از سوی دیگر، چالش‌ها و پیامدهای مداخله گسترده دولت در بازار مسکن را آشکار ساخت.

وعده‌ای که پس از ۱۸ سال هنوز معوق است

اکنون و پس از حدود ۱۸ سال از آغاز این طرح، همچنان دو پرسش اساسی مطرح است: نخست سرنوشت واحدهای نیمه‌تمام باقی‌مانده و زمان نهایی جمع‌بندی این پروژه، و دوم میزان اثرگذاری واقعی مسکن مهر بر خانه‌دار شدن

مهر در شهر جدید پردیس با حضور مقابل سازمان بازرسی کل کشور خواستار رسیدگی به وضعیت واحدهای خود به‌عنوان مهم‌ترین کانون اجرای مسکن مهر پایتخت شناخته می‌شود؛ به‌گونه‌ای که بخش قابل توجهی از بار اصلی این طرح در استان تهران در این شهر متمرکز شده و پردیس به نماد اجرایی مسکن مهر در پایتخت تبدیل شده است.

بر اساس آمارهای منتشرشده، از مجموع حدود ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار واحد مسکن مهر، بخش عمده‌ای در دولت‌های مختلف تکمیل و تحویل شده است. در دولت‌های نهم و دهم بخش قابل توجهی از واحدها وارد فاز بهره‌برداری شد و در ادامه نیز تکمیل و تحویل واحدهای باقی‌مانده در دستور کار دولت‌های بعدی قرار گرفت. با این حال، همچنان بخشی از پروژه‌ها در سال‌های پس از آن به‌عنوان تعهدات معوق باقی‌ماند.

در دولت یازدهم و دوازدهم، موضوع مسکن مهر یکی از محورهای اختلاف‌نظر جدی در حوزه سیاست‌گذاری از

مسکن بود. عباس آخوندی، وزیر وقت راه و شهرسازی، با انتقاد از برخی ابعاد این طرح از جمله نحوه تأمین مالی و کیفیت مطالعات اولیه، وویکرد متفاوتی نسبت به ادامه آن اتخاذ کرد؛ موضوعی که در همان مقطع، به کندی در روند تکمیل بخشی از واحدهای باقی‌مانده دامن زد.

در ادامه و در دولت سیزدهم، وویکرد اعلام‌شده بر تکمیل تعهدات دولت‌های گذشته متمرکز شد. بر اساس اعلام مسئولان وقت وزارت راه و شهرسازی، حدود ۲۴۰ هزار واحد

مسکن مهر به‌عنوان تعهدات باقی‌مانده به این دولت منتقل شد و تکمیل آن‌ها در اولویت قرار گرفت. مهرداد بذرباش، وزیر وقت راه و شهرسازی، در این زمینه تأکید کرده بود که

تکمیل واحدهای مسکن مهر به‌عنوان یکی از تعهدات انباشته دولت‌های گذشته در دستور کار قرار دارد.

در ادامه این روند، طبق اعلام شهرام ملکی، مدیرعامل شرکت عمران شهرهای جدید، در ابتدای آغاز به کار دولت چهاردهم نیز حدود ۳۳ هزار و ۸۰۰ واحد مسکن مهر در شهرهای جدید کشور باقی‌مانده بود؛ آماري که نشان می‌دهد با وجود گذشت سال‌ها از آغاز این طرح، همچنان پرونده آن به‌طور کامل بسته نشده و تکمیل نهایی اما به‌نغم پرداخت کامل آورده‌ها و اقساط، همچنان با عدم تحقق تعهدات و تأخیرهای مکرر در تحویل واحدها مواجه شده‌اند.

از تحویل ۶ ماهه تا انتظار ۱۴ ساله

بر اساس اظهارات این متقاضیان، در زمان ثبت‌نام اولیه، وعده تحویل واحدها در بازه‌های زمانی تا ۶ تا ۱۸ ماهه مطرح شده بود، اما این زمان‌بندی‌ها هیچ‌گاه محقق نشده و پروژه با تأخیرهای طولانی

روای خانه‌دار شدن در پیج سردرگمی

روز گذشته، جمعی از متقاضیان یکی از پروژه‌های مسکن

اقتشار کم‌درآمد و کاهش شکاف دسترسی به مسکن، در میان شهرهای جدید اطراف تهران نیز، شهر جدید پردیس به‌عنوان مهم‌ترین کانون اجرای مسکن مهر پایتخت شناخته می‌شود؛ به‌گونه‌ای که بخش قابل توجهی از بار اصلی این طرح در استان تهران در این شهر متمرکز شده و پردیس به نماد اجرایی مسکن مهر در پایتخت تبدیل شده است. بر اساس آمارهای منتشرشده، از مجموع حدود ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار واحد مسکن مهر، بخش عمده‌ای در دولت‌های مختلف تکمیل و تحویل شده است. در دولت‌های نهم و دهم بخش قابل توجهی از واحدها وارد فاز بهره‌برداری شد و در ادامه نیز تکمیل و تحویل واحدهای باقی‌مانده در دستور کار دولت‌های بعدی قرار گرفت. با این حال، همچنان بخشی از پروژه‌ها در سال‌های پس از آن به‌عنوان تعهدات معوق باقی‌ماند.

در دولت یازدهم و دوازدهم، موضوع مسکن مهر یکی از محورهای اختلاف‌نظر جدی در حوزه سیاست‌گذاری از

مسکن بود. عباس آخوندی، وزیر وقت راه و شهرسازی، با انتقاد از برخی ابعاد این طرح از جمله نحوه تأمین مالی و کیفیت مطالعات اولیه، وویکرد متفاوتی نسبت به ادامه آن اتخاذ کرد؛ موضوعی که در همان مقطع، به کندی در روند تکمیل بخشی از واحدهای باقی‌مانده دامن زد.

در ادامه و در دولت سیزدهم، وویکرد اعلام‌شده بر تکمیل تعهدات دولت‌های گذشته متمرکز شد. بر اساس اعلام مسئولان وقت وزارت راه و شهرسازی، حدود ۲۴۰ هزار واحد مسکن مهر به‌عنوان تعهدات باقی‌مانده به این دولت منتقل شد و تکمیل آن‌ها در اولویت قرار گرفت. مهرداد بذرباش، وزیر وقت راه و شهرسازی، در این زمینه تأکید کرده بود که

تکمیل واحدهای مسکن مهر به‌عنوان یکی از تعهدات انباشته دولت‌های گذشته در دستور کار قرار دارد.

روای خانه‌دار شدن در پیج سردرگمی

روز گذشته، جمعی از متقاضیان یکی از پروژه‌های مسکن



دیگر اگر صادرات ایران به چین ۱۰ میلیارد دلار و

واردات از این کشور ۸ میلیارد دلار باشد، به اندازه‌

۸ میلیارد دلار از تجارت دو کشور بدون نیاز به هیچ ارز خارجی و صرفاً با ارزهای ملی دو کشور

بانک مرکزی و سایر دستگاه‌های مسئول در این

حوزه سیاست فعلاّنه ارزی در حوزه‌ نقل و انتقالات

ارز با سایر کشورها را دنبال کنند.

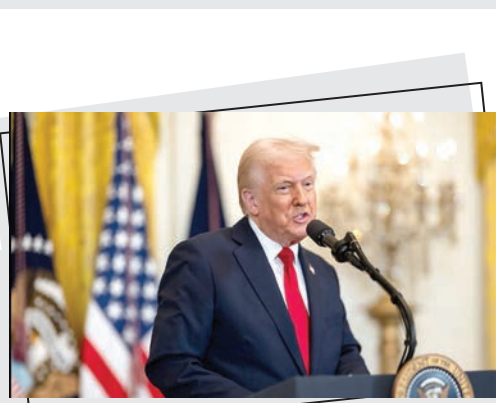
یکی از سبب‌هایی که ضروری است در این حوزه به صورت جدی پیگیری شود، انعقاد پیمان پولی دوجانبه با کشورهایی است که اکثر تبادلات مالی و کالایی کشور با آن‌هاست در این حالت دریافت و پرداخت با ارزهای ملی انجام می‌شود ولی حساب داری می‌تواند به دلار یا یورو انجام می‌شود.

حذف دلار و یورو از تسویه بدون حذف حساب‌داری
پیمان پولی یک سازوکار رسمی برای تسویه پولی بین دو یا چند کشور است که نیاز به ارزهای واسط از جمله دلار و یورو را در دریافت و پرداخت حذف می‌کند ولی در حسابداری می‌توان از دلار یا یورو استفاده کرد. برای درک بهتر موضوع مثال زیر را در نظر بگیرید: وقتی کشور ایران به کشور چین نفت صادر می‌کند، در ازای نفت صادر شده میزان مشخصی از کشور چین طلبکار می‌شود. به عبارت

در شرایطی که تحریم‌های مالی همچنان نقل و انتقالات ارزی ایران را هدف قرار می‌دهد کارشناسان پیشنهاد می‌کنند ایران باید تجارت با شرکای اصلی خود را بر پایه ارزهای ملی سامان دهد؛ به‌طوری‌که منابع حاصل از صادرات در حساب‌های دوجانبه ذخیره و مستقیماً برای واردات کالا هزینه شود.

تاکنون سیاست کشور در مقابل تحریم‌های خارجی، دور زدن تحریم و ایجاد راه تنفس برای اقتصاد کشور بوده که با توجه به اقدامات خصمانه یک ساله اخیر دشمنان از جمله جنگ تحمیلی دوم و سوم و تداوم امکان آسیب به کشور توسط ابزار تحریم، ادامه آن هزینه‌های زیادی خواهد داشت و به امنیت کشور آسیب خواهد زد.

به همین دلیل ضروری است سیاست کشور در حوزه نقل و انتقال پول که از اهداف اصلی تحریم‌های مالی است از دور زدن تحریم به بی‌اثر کردن تحریم تغییر یابد. به عبارت دیگر لازم است



ضرر یک تریلیون دلاری آمریکا از جنگ ترامپ

مجله آمریکایی نیوزویک گزارش داد، ترامپ فکرمی کرد ایران را تسلیم می‌کند، اما ایران تنگه هرمز را بست، یک چهارم نفت جهان را مختل کرد و آمریکا را با هزینه نهایی بیش از یک تریلیون دلار مواجه ساخت.

پس از گذشت ۱۰۰ روز از آغاز جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، منطقه با صحنه‌ای کاملاً متفاوت از پایان فوریه روبرو است. در تازه‌ترین تحول، روز یکشنبه ۷ ژوئن، رژیم صهیونیستی با نقض آتش‌بس، حملاتی را به ضاحیه بیروت و مناطق جنوبی لبنان انجام داد که به کشته و زخمی شدن ده‌ها نفر انجامید. ساعاتی بعد، ایران در اقدامی قاطع و در چارچوب حق پاسخگویی، اهداف نظامی رژیم صهیونیستی از جمله پایگاه هوایی ارامات دیوید در شمال فلسطین اشغالی را با موشک‌های بالستیک هدف قرار داد. این نخستین حمله موشکی ایران به اسرائیل از زمان اجرای آتش‌بس در فروردین ماه جاری محسوب می‌شود. در همین حال، به‌رغم آنکه تعداد روزهای آتش‌بس از روزهای درگیری مستقیم بیشتر بوده، اما جنگ عملاً متوقف نشده است. بر اساس گزارش نیوزویک، از ۱۰۰ روز گذشته از شروع جنگ در ۲۸ فوریه، منطقه شاهد ۳۹ روز عملیات نظامی مستقیم میان آمریکا و رژیم صهیونیستی از یک سو و ایران از سوی دیگر بوده است. در مقابل، ۶۱ روز آتش‌بس نسبی حاکم بوده که البته تنش‌های امنیتی و درنهایی را متوقف نکرده است. همچنین تا ۷ ژوئن، پنجاه و ششمین روز از محاصره دریایی آمریکا علیه بنادر ایران نیز ثبت شده است.

این جنگ فراتر از تلفات و خسارات نظامی، شامل دگرگونی‌های راهبردی در موازنه قدرت منطقه‌ای، آینده امنیت انرژی جهان و توانایی کشورهای منطقه برای سازگاری با مرحله جدیدی از بی‌ثباتی مزمن است. در ادامه ابعاد و ارقام کلیدی این جنگ بر اساس گزارش نیوزویک و سایر منابع ارائه می‌گردد.

هدررفت عظیم برزاد خانه آمریکایی

آمریکا بیش از هزار موشک تاماهاوک در طول جنگ شلیک کرده‌است که بزرگ‌ترین استفاده از این سلاح در تاریخ عملیات نظامی آمریکا به شمار می‌رود.

کارشناسان تخمین می‌زنند واشنگتن حدود ۳۰ درصد از ذخایر پیش از جنگ خود را مصرف کرده و ممکن است برای بازسازی آن به چهار سال زمان نیاز داشته باشد. کاخ سفید نیز به‌زودی درخ‌شده ۲۰۰ میلیارد دلار بودجه اضافی برای بازسازی تسلیحات مصرف‌شده ارائه کرده است.

هزینه‌ای که ممکن است به تریلیون دلار برسد

به گزارش نیوزویک برآوردهای مستقیم رسمی از هزینه جنگ تا ماه مه به ۲۹ میلیارد دلار رسیده است. اما کارشناسان مالی عمومی پیش‌بینی می‌کنند هزینه نهایی با احتساب بازسازی تسلیحات، تعمیر پایگاه‌های نظامی، مراقبت از جانبازان و هزینه‌های آتی مرتبط با درگیری، از یک تریلیون دلار فراتر رود. برخی رهبران دموکرات در واشنگتن هزینه نهایی جنگ با ایران را بین ۶۳۰ میلیارد تا یک تریلیون دلار برآورد کرده‌اند.

بیش از یک میلیارد بشکه نفت سرگردان و شوک به بازار انرژی
بستن تنگه هرمز توسط ایران، حدود ۲۵ درصد از تأمین نفت خام جهان و ۲۰ درصد از تجارت گاز طبیعی مایع را مختل کرده است که یکی از بزرگ‌ترین شوک‌های انرژی در تاریخ معاصر را رقم زده است.

برآوردهای حاکی از آن است که بیش از یک میلیارد بشکه نفت در داخل خلیج فارس محبوس شده است؛ به‌طور متوسط حدود ۱۴ میلیون بشکه در روز. قیمت نفت برنت از ۷۱ دلار پیش از جنگ به حدود ۹۶ دلار در هر بشکه جهش کرده و در برخی مقاطع از مرز ۱۰۰ دلار نیز عبور کرده است.

بحران انرژی جهانی و اقدامات اضطراری کشورها

این بحران انرژی دست کم ۵۵ دولت در سراسر جهان را وادار به اتخاذ تدابیر استثنایی برای مقابله با افزایش قیمت‌ها کرده است. در همین حال، ۹۱ کشور حمایت مستقیم از مصرف‌کنندگان ارائه داده‌اند و ۲۴ کشور تغییرات ساختاری بلندمدت در سیستم‌های انرژی خود آغاز کرده‌اند.

در آمریکا، مصرف‌کنندگان هزینه سنگینی را متحمل شده‌اند. برآورد می‌شود از زمان آغاز جنگ تاکنون، ۵۴.۹ میلیارد دلار هزینه اضافی معادل بیش از ۴۱۸ دلار به ازای هر خانواده آمریکایی از طریق بنزین و افزایش هزینه‌های مرتبط با سوخت پرداخت کرده‌اند. قیمت بنزین معمولی در آمریکا در ماه مه به ۴.۲۵ دلار در هر گالن رسیده است.

جنگ به ۱۶ کشور و منطقه گسترش یافت

درگیری اما محدود به ایران، رژیم صهیونیستی و آمریکا نماند، بلکه آثار نظامی و امنیتی آن به ۱۶ کشور و منطقه از خلیج فارس تا شرق مدیترانه کشیده شد. از جمله عراق، سوریه، لبنان، اردن، عربستان، قطر، بحرین، کویت، امارات، ترکیه و قبرس. این موضوع آن را به یکی از گسترده‌ترین جنگ‌های منطقه‌ای در دهه‌های اخیر تبدیل کرده است.

در سوی دیگر میدان؛ بازه‌ارندگی ایران در عمل

در برابر این حجم از فشار نظامی و اقتصادی، ایران نه تنها عقب‌نشینی نکرده، بلکه با راهبرد هوشمندانه «جنگ نامتقارن» توانسته معادلات منطقه را به نفع خود تغییر دهد. بستن تنگه هرمز و اختلال در یک چهارم نفت جهان، ضربه‌ای بود که نه با موشک، بلکه با یک تصمیم راهبردی به پیکره اقتصاد غرب وارد شد.

حملات موشکی و پهپادی پاسخ‌دهنده ایران، سامانه‌های پیشرفته پدافندی دشمن را با چالش مواجه کرده و ثابت کرده که جمهوری اسلامی نه تنها در موضع انتقال نیست، بلکه تعیین‌کننده زمان، مکان و شدت درگیری هاست.



هزینه ۱۰۰ روز جنون ترامپ برای مردم آمریکا

🔗 ترامپ وعده «اول آمریکا» رامی داد، اما جنگ ۱۰۰ روزه ایران، اول به جیب آمریکایی‌ها ضربه زد. به طوری که حالا بنزین ۵۰ درصد گران شده و دوسوم خانواده‌ها هزینه‌های زندگی خود را کاهش داده‌اند.

صد روز از آغاز تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران می‌گذرد و اکنون تبعات اقتصادی این جنگ به وضوح در ایالات متحده دیده می‌شود. شهروندان آمریکایی با افزایش چشمگیر هزینه‌های زندگی از قیمت سوخت گرفته تا مواد غذایی و مسکن روبرو هستند و جنگ به یک بار سیاسی و اقتصادی روزافزون برای دولت دونالد ترامپ تبدیل شده است. بر اساس نظرسنجی‌های اخیر، اکثر آمریکایی‌ها نحوه مدیریت کاخ سفید بر این درگیری را رد می‌کنند. بسیاری نیز اقدام نظامی علیه ایران را اشتباه می‌دانند. هر خانواده آمریکایی ۷۵۰ دلار بیشتر هزینه کرده است. آثار اقتصادی جنگ در زندگی روزمره مصرف‌کنندگان برجسته است. تحلیل موسسه مودیز آنالیتیکس نشان می‌دهد میانگین هزینه اضافی هر خانواده آمریکایی به دلیل جنگ به حدود ۷۵۰ دلار رسیده. بخش عمده این مبلغ صرف پوشش هزینه‌های بالای انرژی شده است. سهم هزینه‌های انرژی به تنهایی حدود ۴۴۷ دلار برای هر خانواده بوده است.

ضربه اقتصادی سنگین بردوش طبقات کم‌درآمد

مارک زاندی، اقتصاددان ارشد مودیز آنالیتیکس، این وضعیت را «یک ضربه اقتصادی بزرگ» توصیف کرده است. وی توضیح می‌دهد این بار عمدتاً بر دوش خانواده‌های با درآمد متوسط و پایین است که بیشتر درآمد خود را صرف نیازهای اساسی می‌کنند. مایکل کلاین، استاد امور اقتصاد بین‌الملل در دانشگاه تافتس، افزود این گروه‌ها سهم بیشتری از درآمد خود را به غذا و مسکن اختصاص می‌دهند که در ماه‌های اخیر بیشترین افزایش قیمت را داشته‌اند.

قیمت بنزین جهش کرد

قیمت بنزین یکی از مهمترین شاخص‌های آسیب‌دیده بود. به گفته انجمن خودروسازی آمریکا، میانگین قیمت هر گالن بنزین معمولی از کمتر از سهه دلار در اواخر فوریه به بیش از ۴.۲ دلار در اوایل ژوئن افزایش یافته است. این گزارش این جهش را به آتشفشان بازارهای جهانی انرژی پس از حملات متقابل آمریکا و ایران و همچنین تنش‌ها در تنگه هرمز مرتبط می‌داند.

افزایش نرخ تورم به بالاترین سطح در سه سال اخیر

افزایش قیمت انرژی مستقیماً بر نرخ تورم در آمریکا اثر گذاشته است. شاخص هزینه‌های مصرف شخصی که یکی از مهمترین شاخص‌های قدرال زرزو آمریکا است، افزایش شدید قیمت انرژی را نشان می‌دهد. نرخ تورم عمومی به ۳.۸ درصد رسیده که بزرگترین افزایش در سه سال اخیر است.

تعیین سبک زندگی آمریکایی‌ها برای کاهش هزینه‌ها

تحت فشار هزینه‌های سوخت، آمریکایی‌ها الگوی زندگی روزمره خود را تغییر داده‌اند. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد تعداد فرآیندهای از شاملان کار از راه دور را ترجیح می‌دهند تا هزینه رفت و آمد را کاهش دهند. بسیاری نیز استفاده از خودرو و سفرهای غیرضروری را کم کرده‌اند.

سقوط اعتماد مصرف‌کننده

اعتماد مصرف‌کننده به شدت کاهش یافته است. شاخص اعتماد مصرف‌کننده دانشگاه میشیگان به یکی از پایین‌ترین سطوح خود در سال‌های اخیر رسیده است. مطالعات دیگر نشان می‌دهد نزدیک به دوسوم آمریکایی‌ها به دلیل افزایش قیمت‌ها و نگرانی از وضعیت اقتصادی، هزینه‌های خود را کاهش داده‌اند.

آسیب به صنعت هوانوردی و افزایش نرخ بلیت هواپیما

صنعت هوانوردی که وابستگی زیادی به سوخت دارد نیز متضرر شده است. براساس این گزارش، شرکت «اسپیریت ایرلاینز» پس از بیش از سه دهه فعالیت، عملیات خود را متوقف کرد و در اسناد قضایی بخشی از بحران خود را به افزایش قیمت سوخت نسبت داد. سایر شرکت‌ها نیز قیمت بلیت را برای جبران هزینه‌های فرآینده افزایش داده‌اند.

زنگ خطر افزایش قیمت مواد غذایی و کود شیمیایی

فشارهای اقتصادی به قیمت مواد غذایی نیز منتقل شده و بزرگترین افزایش ماهانه از اواخر سال ۲۰۲۲ ثبت شده است. کارشناسان هشدار می‌دهند وضعیت ممکن است به دلیل افزایش قیمت کودهای شیمیایی بدتر شود. منطقه خلیج فارس تأمین‌کننده اصلی مواد اولیه تولید کود است. جاناناتا ارنست، اقتصاددان، گفت کشاورز آمریکایی با «ضربه دوگانه» افزایش هم‌زمان قیمت سوخت و کود روبرو هستند که می‌تواند منجر به افزایش بیشتر قیمت مواد غذایی در ماه‌های آینده شود.

فشار بر سیاست پولی و افزایش نرخ بهره مسکن

بخش مسکن نیز تحت تأثیر قرار گرفته است. نرخ بهره وام‌های مسکن بلندمدت با افزایش انتظارات تورمی بالا رفته است. اقتصاددانان معتقدند سرمایه‌گذاران بازدهی بالاتری را برای جبران کاهش قدرت خرید در آینده مطالبه می‌کنند که این امر هزینه استقراض خانواده‌ها و شرکت‌ها را افزایش می‌دهد.

ناپودی ۲ میلیارددلاری روزانه از بودجه دفاعی آمریکا

جنگ همچنان منابع مالی دولت آمریکا را تخلیه می‌کند. براساس این گزارش، هزینه عملیات نظامی وزارت دفاع علیه ایران روزانه حدود ۲ میلیارد دلار برآورد می‌شود. دولت ترامپ درخواست بودجه اضافی به ارزش میلیاردها دلار برای تأمین مالی عملیات نظامی داده است. لایحه بودجه جدید نیز شامل افزایش چشمگیر هزینه‌های دفاعی در مقابل کاهش برخی برنامه‌های غیرنظامی است. بنابراین پس از ۱۰۰ روز از آغاز جنگ، این درگیری دیگر تنها یک رویارویی نظامی خارجی نیست، بلکه به عاملی تأثیرگذار بر اقتصاد آمریکا تبدیل شده است. افزایش هزینه‌های زندگی، کاهش اعتماد مصرف‌کنندگان و افزایش فشار بر سیاست‌های پولی و مالی در ایالات متحده، دستاوردهای این جنگ برای مردم آمریکاست.

■ چهارشنبه ۲۰ خرداد ۱۴۰۵ ■ ۲۴ ذی‌الحجه ۱۴۴۷ ■ ۱۰ June ۲۰۲۶ ■ سال دوم ■ شماره ۴۸۰

■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۰۹۹۱۸۴۴۱۵۲۹ ■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور ■ کد پستی: ۱۵۸۶۳۱۳۴۳ ■ آدرس: تهران، خیابان میرزا شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲



حذف ارز ترجیحی؛ اصلاح اقتصادی یا چالشی تازه برای معیشت؟

گزارش

🔗 ارز ترجیحی سال‌ها یکی از ابزارهای کنترل قیمت کالاهای اساسی بود. اکنون با حذف آن، پرسش اصلی این است که بازار و معیشت مردم چه مسیری را طی خواهند کرد.

در سال‌های اخیر سیاست ارز ترجیحی به‌یکی از بحث‌برانگیزترین ابزارهای اقتصادی در ایران تبدیل شد.

این سیاست که با هدف کنترل قیمت کالاهای اساسی و حمایت از معیشت مردم اجرامی شد، در عمل با چالش‌های متعددی روبه‌رو شد؛ از جمله ایجاد رانت، توزیع ناهایر منابع و دشواری در نظارت بر نحوه تخصیص ارز. درنهایت از اواخر سال گذشته تصمیم به حذف این سیاست گرفته شد؛ تصمیمی که با نظر بخشی از کارشناسان اقتصادی اتخاذ شد و در سطح کلان نیز مورد تأیید قرار گرفت.

از ترجیحی در ابتدا با هدف تثبیت قیمت کالاهای ضروری مانند نهاده‌های دامی، دارو و برخی اقلام خوراکی شکل گرفت. ایده اصلی این بود که با تخصیص ارز با نرخ پایین‌تر، هزینه واردات این کالاهای گران‌باید و در نتیجه مصرف‌کننده نهایی نیز کالا را با قیمت مناسب‌تری تهیه کند. با این حال، تجربه چند سال اجرای این سیاست نشان داد که فاصله زیاد میان نرخ ارز ترجیحی و نرخ بازار آزاد، زمینه ایجاد رانت و سوء استفاده را فراهم می‌کند.

بسیاری از اقتصاددانان معتقد بودند که بخش قابل توجهی از منابع ارزی تخصیص یافته به ارز ترجیحی به جای آنکه مستقیماً به نفع مصرف‌کننده تمام شود، در حلقه‌های مختلف زنجیره واردات، توزیع و واسطه‌گری هدر می‌رود. در چنین شرایطی، دولت ناچار بود منابع ارزی قابل توجهی را صرف این سیاست کند، در حالی که اثر واقعی آن بر کنترل قیمت محدود بود.

تصمیم به حذف ارز ترجیحی در چنین بستری اتخاذ شد. در ابتدای دی‌ماه سال ۱۴۰۴ نیز در همین رابطه رئیس عدلیه بیان داشت : سازمان بازرسی کل کشور در نتیجه برگراری

جلسات با سایر دستگاه‌های نظارتی و متولیان بانک مرکزی و کارشناسان و صاحبنظران حوزه پول و اقتصاد و برخی دیگر از اشخاص ذی‌صلاح و ذی‌ربط، دستورالعملی ۱۷ بندی را در ارتباط با مبحث ارز، تدوین کرده است.

وی توضیح داد: برخی از مفاد آن ۱۷ بند، از اولویت بیشتری برای عملیاتی‌سازی برخوردارند، فلذا باید سریعاً در دستور کار قرار گیرند؛ ایضاً، وفق آنچه که در قانون بانک مرکزی مندرج است، برخی مفاد دیگر نیز با عنایت به شرایط فعلی، اولویت دارند که باید به آن ۱۷ بند، افزوده شوند.

هدف اصلی از این اقدام، اصلاح ساروکار تخصیص ارز و کاهش رانت‌های ناشی از چندنرخ بودن ارز عنوان شد. در عین حال یکی از نگرانی‌های اصلی دربار این تصمیم، احتمال افزایش قیمت کالاهای اساسی و فشار بیشتر بر معیشت خانوارها بود؛ موضوعی که از همان ابتدا در مرکز بحث‌های کارشناسی قرار داشت. ناگفته نماند زمانی این جراحی اقتصادی رخ داد که کشور در شرایط آرامی قرار داشت و جنگ نظامی علیه کشور رخ نداده بود.

با این حال دشمن آمریکایی و صهیونی به دنبال برهم زدن آرامش اقتصادی بود از این جهت در همین دوره، تحولات سیاسی و امنیتی نیز بر فضای اقتصادی کشور تأثیر گذاشت. ناآرامی‌های دی‌ماه و افزایش تنش‌های خارجی باعث شد فضای اقتصادی با نااطمینانی بیشتری روبه‌رو شود. در چنین شرایطی، برخی تحلیلگران معتقد بودند که ادامه سیاست ارز ترجیحی می‌توانست در صورت بروز اختلال در تأمین ارز یا واردات، مشکلات جدی‌تری برای تأمین کالاهای اساسی ایجاد کند.

در زمان وقوع این تحولات، نرخ دلار در بازار به حدود ۱۶۰ هزار تومان رسیده بود. افزایش نرخ ارز همواره یکی از عوامل مهم در افزایش قیمت کالاهای وارداتی با کالاهایی است که بخشی از مواد اولیه آنها از خارج تأمین می‌شود. به همین دلیل، مدیریت هم‌زمان بازار ارز و بازار کالاهای اساسی به یکی از مهم‌ترین چالش‌های سیاست‌گذاران اقتصادی تبدیل شد. یکی از نکات قابل توجه در این دوره، وضعیت عرضه کالاهای

اساسی در بازار بود. با وجود افزایش قیمت بسیاری از اقلام، گزارش‌های میدانی از فروشگاه‌ها نشان می‌دهد که در اغلب موارد کمبود گسترده‌ای در عرضه کالاهای اساسی مشاهده نشده است. این موضوع تا حدی نشان‌دهنده آن است که سازوکارهای تأمین و توزیع کالا توانسته‌اند تا حدی از ایجاد اختلال جدی در بازار جلوگیری کنند.

البته این وضعیت به معنای نبود چالش نیست. افزایش قیمت کالاهای مهم همچنان یکی از دغدغه‌های اصلی خانوارها محسوب می‌شود. حذف ارز ترجیحی در عمل به معنای افزایش هزینه واردات برای برخی کالاها بود و این افزایش هزینه در بسیاری از موارد به قیمت نهایی منتقل شد. بنابراین در کنار مسئله تأمین کالا، مسئله قدرت خرید نیز به یکی از محورهای مهم بحث‌های اقتصادی تبدیل شده است.

از سوی دیگر، محدودیت‌های حمل‌ونقل و تجارت خارجی نیز در ماه‌های اخیر بر روند واردات کالا تأثیر گذاشته است. مشکلاتی که در برخی مسیرهای دریایی و بنادر جنوبی ایجاد شده، می‌توانست به طور بالقوه روند ورود کالا به کشور را با اختلال مواجه کند. با این حال، سیاست‌گذاران تلاش کرده‌اند با فعال کردن مسیرهای جایگزین، از جمله مسیرهای زمینی و مرزهای شمالی، جریان واردات کالا را حفظ کنند.

هماهنگی میان نهادهای مختلف از جمله گمرک، دستگاه‌های

اجرائی و نهادهای مسئول در حوزه تجارت خارجی در این زمینه اهمیت زیادی داشته است. تسهیل فرآیندهای گمرکی، تدوین دستورالعمل‌های جدید و استفاده از مسیرهای متنوع حمل‌ونقل از جمله اقداماتی بوده که با هدف جلوگیری از ایجاد کمبود در بازار انجام شده است.

در همین حال، بازار ارز نیز یکی از شاخص‌های مهم برای ارزیابی وضعیت اقتصاد محسوب می‌شود. نرخ دلار که در مقطعی به حدود ۱۶۰ هزار تومان رسیده بود، در ادامه به حدود ۱۲۴ هزار تومان افزایش یافت، اما جهش‌های بسیار شدید در مدت کوتاه مشاهده نشد. ثبات نسبی در بازار ارز می‌تواند نقش مهمی در کاهش نااطمینانی اقتصادی و جلوگیری از شوک‌های ناگهانی به بازار کالاها داشته باشد.

با این حال، بسیاری از کارشناسان معتقدند که ارزیابی کامل آثار حذف ارز ترجیحی نیازمند زمان بیشتری است. برخی پیامدهای این سیاست ممکن است در کوتاه‌مدت و برخی دیگر در بلندمدت ظاهر شود. برای مثال، در کوتاه‌مدت ممکن است افزایش قیمت برخی کالاها مشاهده شود، اما در بلندمدت کاهش رانت و شفاف‌تر شدن سازوکارهای اقتصادی می‌تواند به کارآمدتر شدن نظام اقتصادی کمک کند. در عین حال، موفقیت این سیاست تا حد زیادی به نحوه اجرای آن و سیاست‌های مکمل بستگی دارد. در بسیاری از کشورها، اصلاحات اقتصادی مشابه با اجرای سیاست‌های حمایتی برای افسار آسپ‌پذیر همراه بوده است. اگرچه

در ایران نیز تلاش‌هایی برای جبران بخشی از آثار افزایش قیمت‌ها صورت گرفته، اما همچنان بحث درباره کارآمدی این حمایت‌ها ادامه دارد.

موضوع دیگر، مسئله نظارت بر زنجیره تأمین و توزیع کالا است. حتی در صورت تأمین مناسب کالا در سطح کلان، ضعف در نظارت بر شبکه توزیع می‌تواند باعث ایجاد کمبودهای مقطعی یا افزایش غیرمنطقی قیمت‌ها شود. بنابراین بخشی از موفقیت سیاست‌های اقتصادی به میزان کارآمدی نظام نظارتی وابسته است.

در مجموع، تجربه حذف ارز ترجیحی را می‌توان یکی از مهم‌ترین آزمون‌های سیاست‌گذاری اقتصادی در سال‌های اخیر دانست. این تصمیم از یک سو تلاشی برای اصلاح یک سیاست پرهزینه و پرچالش بود و از سوی دیگر با نگرانی‌های جدی درباره آثار آن بر معیشت مردم همراه شد.

آنچه در حال حاضر مشاهده می‌شود این است که با وجود افزایش قیمت برخی کالاها و ادامه فشارهای اقتصادی، بازار در حوزه بسیاری از کالاهای اساسی با کمبود گسترده مواجه نشده است. با این حال، چالش‌های مربوط به قیمت‌ها، قدرت خرید خانوارها و ثبات بلندمدت بازار همچنان از موضوعات مهمی است که نیازمند سیاست‌گذاری دقیق و مستمر خواهد بود.

در نهایت، ارزیابی نهایی از این سیاست تنها زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که آثار آن در یک بازه زمانی طولانی‌تر بررسی شود. اقتصاد ایران در سال‌های اخیر تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله تحولات سیاسی، محدودیت‌های تجاری و نوسانات ارزی قرار داشته است. در چنین شرایطی، موفقیت هر سیاست اقتصادی در تنها به طراحی آن، بلکه به نحوه اجرا، هماهنگی نهادی و توانایی مدیریت شرایط متغیر بستگی دارد.



تراکتور خود در طول ماه استفاده کنند، ناگزیر به تأمین سوخت از بازار آزاد هستند که این امر قاچاق سوخت را افزایش می‌دهد و بازار سیاه ایجاد می‌کند. بنابراین در خصوص تأمین سوخت بخش کشاورزی و تولیدات بخش کشاورزی باید تجدیدنظری صورت بگیرد، در غیر اینصورت آسیب جدی به تولید محصولات کشاورزی و غذایی وارد می‌شود. این مقام مسئول با بیان اینکه امکان دسترسی به خودتاکایی محصولات اساسی با وضعیت فعلی تخصیص سوخت شدنی نیست، تصریح کرد: خسارات زیادی از حیث کاهش سوخت ماشین‌آلات به بخش کشاورزی وارد می‌شود و به عبارت دیگر کاهش سهمیه سوخت خلاف مسیر خودکفایی و قدرت غذا در شرایط کنونی کشور است.

کاهش سوخت بخش کشاورزی حداقل ۳۰ درصد عملکرد تولید را پایین می‌آورد

عطاالله هاشمی رئیس بنیاد ملی گندم‌کاران گفت: وضعیت تأمین سوخت بخش کشاورزی اعم از تراکتور و چاه‌ها مطلوب نیست به طوری که بنابر آمار نسبت به سال قبل ۴۰ درصد کاهش داشته است. به گفته وی، کاهش سهمیه سوخت بخش کشاورزی چالش‌های جدی در تولید ایجاد خواهد کرد، از این رو انتظار می‌رود سوخت موردنیاز این بخش تأمین شود.

هاشمی ادامه داد: نیاز ماهانه چاه عمیقی که ۵ هزار لیتر است، اکنون ۳ هزار و ۵۰۰ لیتر سهمیه می‌دهد که کاهش سهمیه سوخت در روند تولید اختلال ایجاد می‌کند که همین امر نگرانی‌هایی برای کشاورزان ایجاد کرده است.

رئیس بنیاد ملی گندم‌کاران افزود: اگر سوخت موردنیاز بخش کشاورزی تأمین نشود که کشاورز وارد تأمین گازوئیل موتور برق دچار چالش کند، لذا ممکن است در زمانی که گیاه نیاز آبی دارد، این امر تأمین نشود که براین اساس کاهش سهمیه سوخت بخش کشاورزی حداقل ۳۰ درصدی در تولید ایجاد می‌کند.

گازوئیل موردنیاز را خریداری کنند، درحالی‌که تفاوت قیمت بسیار بالا بوده به طوری که هر لیتر گازوئیل بارانه‌اند ۳۰۰ تومان برای کشاورز تمام می‌شود، اما در خرید از بازار آزاد هر لیتر ۲۰ هزار تومان است که براین اساس این معضل باید هر چه زودتر رسیدگی و حل‌وفصل شود تا کشاورزان نتوانند تولید را با کمترین چالش پیگیری کنند.

سهم سوخت بخش کشاورزی کمتر از ۴ درصد سوخت حمل‌ونقل کشور است

پیمان عالمی رئیس اتاق اصناف کشاورزی گفت: در بخش کشاورزی ۳ میلیارد لیتر مصرف سوخت ماشین‌آلات بوده که این میزان کمتر از ۴ درصد سوخت حمل‌ونقل کشور است که وزارت نفت برای رفع مشکل ناترازی سوخت، میزان سوخت بخش را به ۴ میلیون لیتر کاهش داده‌اند که براین اساس میزان سوخت این بخش به ۳ درصد می‌رسد. به گفته وی، با کاهش میزان سوخت بخش کشاورزی تنها یک درصد صرفه‌جویی اتفاق می‌افتد که این رقم کمکی به ناترازی کشور نخواهد کرد، اما در مقابل هزینه بسیار زیادی به امنیت غذایی و تولید محصولات استراتژیک وارد خواهد کرد و این امر جدی‌ای از ضرر و زیان‌هایی است که به کشاورزان و ضریب مکانیزاسیون در واحد سطح وارد می‌کند.